

تشدید فعالیت اوباما علیه ترامپپسم چه معنایی دارد؟

آغاز افول آمریکا بدون رتوش

باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در یک سخنرانی انتخاباتی در ایالت ویرجینیا، به بهانه حمله به ترامپ اظهاراتی را مطرح کرد که در اصل اعتراف به وضعیت نابسامان حکمرانی در آمریکاست. اوباما ترامپ را منتهم کرد که به‌جای پرداختن به مسائل حیاتی مانند بیمه در مانی، روی پروژه‌های بی‌اهمیتی مانند «سنگ‌فرش کردن باغ گل رز در کاخ سفید»، «طلاکاری دفتر بیضی» و «ساختن سالن رقص» در کاخ سفید تمرکز کرده است. این کنایه‌ها که به‌ظاهر خنده‌دار به نظر می‌رسند درواقع پرده‌ای از واقعیت‌های حکمرانی در آمریکا را کنار می‌زنند و تصویری یک دولت که اولویت‌هایش را به‌جای رفاه مردم بر تجملات و نمایش‌های شخصی معطوف کرده است، ارائه می‌دهد. اوباما در ادامه با طعنه خطاب به حاضران گفت: «اگر نمی‌توانید به پزشکی مراجعه کنید، نگران نباشید؛ رئیس‌جمهور با یک رقص شما را نجات می‌دهد. اگر هم دعوت‌نامه مهمانی بعدی کاخ سفید به دستتان نرسید، اشکال ندارد، می‌توانید جشن و آن همه آدم خوش‌تیپ را در شبکه اجتماعی تروث (رسانه اجتماعی ترامپ) تماشا کنید.» این کلمات که از زبان یک سیاست‌مدار برجسته آمریکا چون اوباما گفته شده است، فراتر از حمله شخصی به ترامپ، اعتراضی است به یک بحران عمیق در حکمرانی آمریکا.

در رویکردی مشابه پیش‌ازاین برنی سندرز، سناتور مستقل آمریکایی گفته بود: «آمریکا اسیر الیگارشی AIPAC است.» او کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل (AIPAC) را منتهم کرد که با انکتاب به سرمایه میلیارد‌رها، صدای منتقدان را ساکت می‌کند و حمایت بی‌چون‌وچرا از بنیامین نتانیاهو را تحمیل می‌نماید. این انتقاد که به نفوذ لابی‌های ثروتمند اشاره دارد با اعتراف‌های اوباما همخوانی دارد؛ یک سیستم که اسیر امپال میلیارد‌رهای اطراف ترامپ است. مهم‌زمان با وضعیت بغرنج اقتصادی در آمریکا، ترامپ آخر هفته‌ها را در اماکنش با بازی گلف و معاشرت با میلیارد‌ها سسیری کرده برای لاپوشانی ماجرای رفاقتش با جفری اپستین، همان گرداننده شبکه قاجاق جنسی در آمریکا، طرح‌ریزی می‌کند.

از سالن رقص تا بی قانونی روزمره

اوباما در ادامه طعنه‌زنی‌های خود می‌گوید: «خداوند می‌داند ما به نور نیاز داریم، زیرا کشور ما در وضعیت بسیار تاریکی است.» در بخش دیگری از سخنرانی اوباما به مجموعه‌ای از اقدامات ترامپ اشاره می‌کند که به‌زعم او «دیوانگی محضن» را نداعی می‌کنند. او توصیف می‌کند: «ترامپ دادستان‌های آمریکا را با وفاداران جاگیرگزین کرده. افرادی که هر کاری او بخواهد انجام می‌دهند و اکنون به آن‌ها دستسور می‌دهد تا هزینه‌های نقض قانون قبلی توسط ترامپ را که از او گرفته شده است، بازگردانند.» اوباماس صحبت‌هایش را در این‌گونه ادامه می‌دهسد: «ترامپ گارد ملی را در شهرهای آمریکا مستقر می‌کند تا جلوی هرج‌ومرج‌هایی را بگیرد که درواقع وجود ندارند.» در حوزه مهاجرت، اوباما به مأموران نقاب‌دار اداره مهاجرت و گمرک (ICE) اشاره می‌کند که با ون‌های بی‌علامت، مردم از جمله شهروندان آمریکایی را در خیابان‌ها دستگیر می‌کنند به این ظن که «شبیه آمریکایی‌های واقعی نیستند.»

اوباما در ادامه به وزیر ضد واکسن ترامپ نیز کنایه زد که «با علم اثبات‌شده مخالف است و داروهای قاچاقی را رواج می‌دهد.» ترامپ در دولت نخست خود تحت‌تأثیر تفکرات رابرت اف. کندی جونیور، وزیر بهداشت فعلی آمریکا با واکسنیاسیون کرونا همراهی نکرد و همین رویکرد باعث شد تا

شروط رهبری برای همکاری با آمریکا به چه معناست؟

نظم منطقه‌ای علیه نظم آمریکایی

ادامه از صفحه یک

بیانات رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد ایشان نگاه خاصی در ترسیم تداوم استقلال ایران دارند. بر این اساس در آینده‌ای که در آن نفوذ آمریکا در غرب آسیا به نفع قطب‌های جدید جهانی کاهش یافته و ایسن قدرت‌ها نفوذ قابل توجهی در منطقه بیابند، ایران برای موازنه با آن‌ها نیاز مند آمریکا نخواهد بود. بر همین مبنا رهبر انقلاب اعلام کردند حتی در صورت تحقق هر سه شرط، ایران به‌سرعت درخواست همکاری آمریکا را بررسی نمی‌کند. به عبارت دیگر در هنگامی که چین، روسیه، هند، قدرت‌های حاضر در غرب آسیا و یا دولت‌های دیگری در منطقه نفوذ بیشتری نسبت به امروز بیابند، تهران قادر به حفظ موازنه‌ها خواهد بود. این امر ریشه در دو موضوع دارد: نخست مراقبت از روابط و همکاری با این دولت‌ها تا وضعیت تقابلی رخ ندهد و دوم رشد بی‌وقفه قدرت ایران تا دولتی بر ضد کشور طمع نکند.

رهبر انقلاب به آمریکا گوشزد کردند که قدرتش در منطقه دارای سه مشکل است. پشتیبانی از رژیم صهیونیستی خطراتی راهبردی برای منافع آمریکا دارد و درنهایت نیز نابودی سرنوشت محتوم این موجودیت است. مهم‌ترین مشکلی که تل آویو در این زمینه برای واشنگتن ایجاد کرده، مسامتت از بهبود روابطش با تهران است.

دومین مسئله بیهوده بودن حضور نظامی تهدیدآمیز در منطقه است زیرا علی‌رغم این حضور، نفوذ آمریکا در حال کاهش است و قدرتی مانند چین بدون پایگاه‌های نظامی و عملیات‌های جنگی نفوذ خود را افزایش داده است. سومین موضوع مداخلات آمریکایی است. پکن، مسکو و دهلی‌نو بدون مداخله در امور سیاسی منطقه نفوذ خود در منطقه را افزایش داده اند؛ اما واشنگتن علی‌رغم مداخلات سنگین قادر به تثبیت منافع خود نشده است. به عنوان نمونه مداخلات بیهوده در امور سیاسی عراق و یا لبنان که حاوی خطراتی بنیادین برای منافع آمریکا در این کشورهاست، زیان‌بار بودن این سیاست را نشان می‌دهد.



آمریکا به یکی از پرتغلات‌ترین کشورها تحت‌تأثیر این پاندمی تبدیل شود. ترامپ همچنین یکی از اقتصاددانانی را که برخلاف میلش آمار واقعی از میزان بیکاری در آمریکا ارائه داده بود، اخراج کرد. اوباما این وضعیت را به لحاظ ترسنایی با رویداد آمریکایی هالووین مقایسه می‌کند: «انگار هر روز هالووین است با این تفاوت که همه چیز حقه و نیرنگ است و هیچ خوراکی در کار نیست.»

همسویی ترامپ و ماسک درباره انداختن آشوب فدرال

همکاری ناتمام دونالد ترامپ با ایلان ماسک، کارآفرین جنجالی و مالک شرکت‌هایی مانند تسلا و اسپیس ایکس به یکی از عوامل اصلی آشفتگی در ساختار دولت فدرال تبدیل شده است. این همسویی که با تأسیس دیار تمان کارایی دولتی (DOGE) همراه بود، وعده «بهینه‌سازی» دولت را داد؛ اما در عمل به حملات روزانه به خدمات عمومی، مزایای کارگری و برنامه‌های حیاتی آمریکا منجر شد. این روند زندگی میلیون‌ها آمریکایی را مختل کرد و در کنار اعتراضات خیابانی به حمایت از اسرائیل بستر یک اعتراض به وضعیت اقتصادی آمریکا را نیز فراهم آورد. دستمزدها کاهش یافت، ایمنی کار تضعیف شد و دفاتر کلیدی مانند تأمین اجتماعی تعطیل شدند. DOGE که تحت نظارت مستقیم ترامپ و ماسک عمل می‌کرد به ابزاری برای کاهش‌های گسترده بودجه و اخراج‌ها تبدیل شد. ترامپ مستقیماً حداقل دستمزد پیمانکاران فدرال را تا ۶۰ درصد کاهش داد. او مشوق‌های آموزشی برای مشاغل ماهر را حذف کرد و اولویت قرارداده‌ها به کارفرمایان پرداخت‌کننده دستمزد عادلانه را لغو نمود. این تغییرات که به‌ظاهر برای «کارایی» توجیه می‌شوند، درواقع پلی برای بهره‌کشی بیشتر از نیروی کار بودند.

در حوزه ایمنی کار، ترامپ دوسوم کارکنان مؤسسه ایمنی و بهداشت شغلی (NIOSH) را اخراج کرد که این اقدام بخش‌های حفاظت از معدنچیان، آتش‌نشانان و پرستاران را نابود ساخت. اجرای اقدام ضد سلیبس که برای جلوگیری از بیماری‌های ربوی معدنچیان ضروری است، متوقف شد و برنامه‌های جهانی مبارزه با کار اجباری نیز قطع شد. ترامپ عضو هیئت روابط کار ملی را به دلیل جانب‌داری از کارگران اخراج کرد و ابزار چانه‌زنی بیش از یک میلیون کارمند فدرال را سلب نمود. این اقدامات باعث شده تا این تصویر از دولت آمریکا ساخته شود که به‌جای خدمت به مردم به ابزار ثروتمندان تبدیل شده است. همان چیزی که سندرز از آن به‌عنوان گرفتار شدن به «الیگارشی» یاد کرده و اوباما نیز با طرح موضوع «احداث سالن رقص در کاخ سفید» به آن دامن می‌زند.

تعرفه‌های آشفته؛ بمب ساعتی اقتصادی

سیاست‌های اقتصادی ترامپ به‌ویژه تعرفه‌های یک‌شبه و آشفته‌اش، یکی از بارزترین مصادیق شکست حکمرانی است. این تعرفه‌ها که اغلب در یک روز اعلام، لغو و تعلیق می‌شوند، کسب‌وکارهای آمریکایی را در حالت تعلیق درآورده است. ترامپ در مارس ۲۰۲۵ تعرفه ۲۵ درصدی بر تقریباً تمام کالاهای وارداتی از کانادا و مکزیک، دو شریک تجاری اصلی آمریکا وضع کرد که این اقدام قیمت‌ها را برای مصرف‌کنندگان آمریکایی افزایش می‌داد. به همین دلیل نیز بلافاصله برخی کالاها را معاف کرد تا نشان دهد

در سیاست اعمال تعرفه هیچ‌گونه برنامه‌ریزی پیشینی وجود ندارد. در حوزه خودرو، ترامپ تعرفه جهانی ۲۵ درصدی بر خودروهای وارداتی وضع کرد که منجر به توقف تولید توسط تولیدکنندگان بزرگ شد و صدها کارگر آمریکایی را بیکار کرد. چین در پاسخ به تعرفه‌های ۱۴۵ درصدی ترامپ، تمسام صادرات مواد معدنی نادر و مواد کلیدی برای تولید انرژی پاک را تعلیق کرد تا ترامپ ناچار شود برای تأمین انرژی، مقررات زیست‌محیطی بر تولید زغال‌سنگ را لغو کند. اخراج‌های انبوه مهاجران نیز عرضه نیروی کار را مختل کرده و قیمت غذا و مسکن را بالا برده است. مهاجرانی که در کشاورزی و ساخت‌وساز نقش کلیدی دارند ناگهان حذف می‌شوند و خلأی ایجاد می‌کنند که با تورم پر می‌شود. ترامپ تقریباً ۱۰ تریلیون دلار ارزش بازار سهام آمریکا را از روز تحلیف محو کرده است. موسسات مالی مانند جی‌پی مورگان احتمال بالایی برای رکود در ۲۰۲۵ را پیش‌بینی می‌کنند.

حمله به خدمات عمومی

ترامپ آژانس‌هایی مانند دفتر حفاظت مالی مصرف‌کننده (CFPB) را تعطیل کرد. او همچنین کمک‌های تحقیق سرطان کودکان را لغو کرد. دولت آمریکا نیمی از کارکنان وزارت آموزش و پرورش را در ۱۱ مارس اخراج کرد. ترامپ یخ‌زدگی بیش از ۲ میلیارد دلار بودجه فدرال برای هاروارد را اعلام کرد و شرط آزادسازی آن را بر خورد با دانشجویان معترض به رژیم صهیونیستی گذاشت. رابرت اف. کندی جونیور، به‌عنوان وزیر بهداشت، بسیاری از بازرسی‌های ایمنی غذایی FDA را پایان داد که بر اقلام ضروری مانند فرمول شیر خشک در آمریکا نظارت داشتند.

از دستگیری‌های خیابانی تا پایان شهروندی

سیاست‌های مهاجرتی ترامپ یکی از جنجال‌برانگیزترین جنبه‌های حکمرانی اوست. در روز اول، ترامپ فرمانی اجرایی امضا کرد که قانون شهروندی از تولد را پایان داد. این درحالی است که این موضوع به‌مثابه حقّی توسط متمم ۱۴ قانون اساسی آمریکا تضمین شده است. به همین دلیل این فرمان توسط دادگاه فدرال متوقف شد. ترامپ وضعیت قانونی بیش از ۱۲۰۰ دانشجو در سراسر آمریکا را ناگهان لغو و ویزاها را باطل کرد؛ اما دولت این رویکرد را پس از چالش‌های دادگاهی متعدد، تعلیق کرد. شهروندان آمریکایی نیز قربانی شده‌اند، زیرا سیاست‌های مهاجرتی بر اساس ظاهر عمل می‌کنند و هر آن ممکن است شهروندی به داخل ون خارج شده و از آنجا به اردوگاه‌های بازداشت موقت و درنهایت بیرون از آمریکا منتقل شود. همچنین تعداد گردشگران خارجی واردشده به ایالات متحده بیش از ۱۰ درصد از سال گذشته کاهش یافته، زیرا بازدیدکنندگان بین‌المللی از آزادیدن به دلیل سیاست‌های ضد‌مهاجرتی آمریکا می‌ترسند.

تعطیلی دولت؛ نماد تا کارآمدی مطلق

در نتیجه عدم اقدام کنگره در تصویب قانون تخصیص بودجه برای سال مالی ۲۰۲۶ دولت فدرال ایالات متحده اول اکتبر ۲۰۲۵ تعطیلی خود را آغاز کرد. این تعطیلی به دلیل اختلافات حزبی بر سر سطح هزینه‌های فدرال، لغو کمک‌های خارجی و یارانه‌های بیمه در مانی، رخ داده و سومین تعطیلی دولت آمریکا در دوران ترامپ است. تقریباً ۹۰۰ هزار کارمند فدرال به مخصی اجباری فرستاده شدند و ۷۰۰ هزار نفر دیگر بدون حقوق رها

روایت میدانی خبرنگار «فرهیختگان» از دیدار دانش‌آموزان با رهبر انقلاب

قرار ۴۶سالهٔ نسل «ضد» استکبار

ادامه از صفحه یک

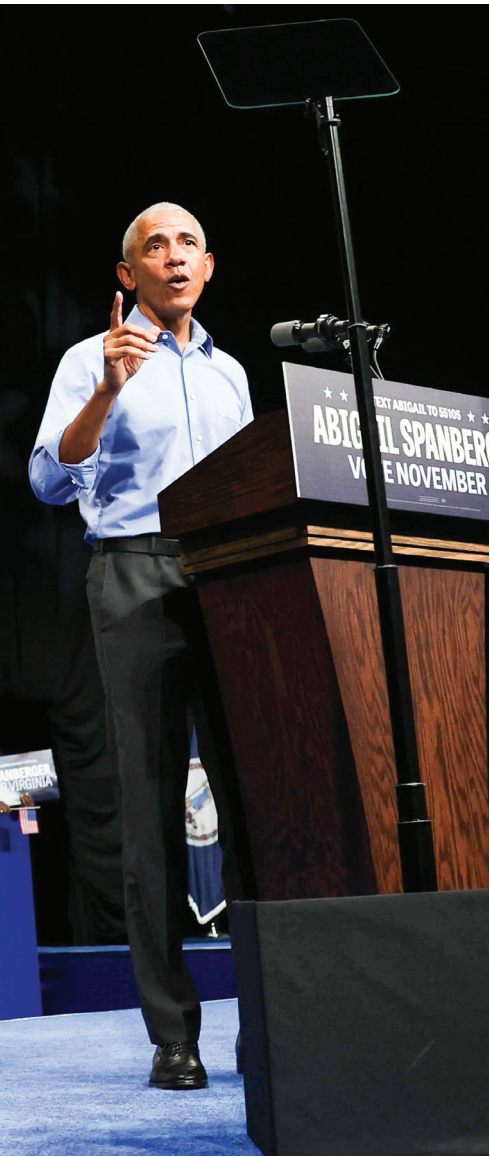
اهل تفرش بودند، او حرف می‌زد و همراه کناری‌اش ترجمه می‌کرد. سه‌نواش، دامادش و دخترش در حمله صهیونیست‌ها شهید شده بودند. می‌گفت کل خانواده رفتند و حالا او به نمایندگی از خانواده آمده بود. نوه دختری‌اش دکتر بود و نوه پسر۱ کوچکش ۵ساله بود که شهید شد. روی شانه‌اش زدم و گفتم خداسبرناز دهد. در صورتش اثری از شکست و ضعف دیده نمی‌شد. بعد از آنکه جمعیت از آمدن رهبر انقلاب به ششور افتاد، درحالی‌که یک طرف حسینی‌ه صلوات می‌فرستاد و شعار می‌داد و در سمت دیگر صدای چیغ و خوشحالی دختر بچه‌ها بلند بود، پیرزن آرام از روی صندلی‌اش بلند شد که برود آقا را ببیند. مسئولان انتظامات با اصرار و خواهش متوقفش کردند و بین دو میله حسینی‌نشاندهندش که بعد از پایان مراسم برود و آقا را ببیند.

کلاس درس استکبارستیزی

در حسینی‌ه امام خمینی حاشیه و متن نرؤمان پیش می‌روند و هیچ‌کدام بر آن یکی تقدم تأخر ندارند. صحبت‌های رهبر انقلاب هم تکمیل‌کننده شور و ششعوری بود که نوجوانان با روحیات و حال‌وهوای خاص خود آن را رقم می‌زدند. تبیین علل مبارزه و دشمنی با آمریکا، نقطه آغازین صحبت‌های رهبر انقلاب بود، با این تفاوت که این بار رهبری ریشه استکبارستیزی مردم ایران را در دو عامل هویتی و تاریخی تقسیم کردند و در ریشه‌های تاریخی آن به ماجراهایی مثل لغو قرار داد تبکاو و وثوق‌الدوله اشاره کردند. این یک واقعیت تاریخی است که هر زمان که پای استقلال طلبی و خواست مردم ایران در میان باشد، استعمارگران جهان برای برهم‌زدن این خواست مردمی که منافع مفت و مجانی آن‌ها در ایران را تهدید می‌کرد از هیچ خرابکاری و توطئه‌ای دریغ نکرده بودند. بحث به تبیین واژه استکبار و تبیین ریشه‌های هویتی دشمنی با آمریکا که رسید، حسینی‌ه بیش از آنکه شبیه به سخنرانی یک رهبر جهانی، خطاب به ابرقدرت‌ها، رسانه‌ها و در مواردی دولتمردان باشد، شبیه به کلاس درسی شد که مخاطب اطلاعات و روایت‌های تاریخی آن، جوانان و نوجوانانی بودند که شاید به نسبت نسل‌های دیگر، شناخت و اطلاعات کم‌تری از تاریخ داشتند. این تبیین از دو وجه محل توجه بود؛ ۱. درک دشمنی استکبار مدرن با ریشه‌های تاریخی آن در این برهه حساس و مخصوصاً برای جوان و نوجوان ایرانی، آن‌قدر ضروری است که لازم است بخش زیادی از صحبت‌های رهبر انقلاب به رفع ابهامات و نقاط کمتر تبیین‌شده خصومت آمریکا با ایران، اختصاص پیدا کند. ۲. در وجه دیگر، اما ارتباط و اطلاع کم جوانان و البته نقصان در روایت رسانه‌ای از رویدادهای مستند تاریخی آن‌قدر زیاد است که رهبر انقلاب تعمداً زمانی را به تبیین ریشه‌های دشمنی با آمریکا اختصاص دادند تا روشن شود روابط خصمانه آمریکا با ایران، محدود به اتفاقی که در لانه جاسوسی رخ داده و ایضاً شعار مرگ بر آمریکا نبوده، بلکه ریشه‌ای در تاریخ چندین ساله ایران در دوره معاصر داشته و دارد. القصه آنکه «تاریخ»، گمشده این روزهای نوجوانان و جوانان ایرانی است.

گردیدند. این تعطیلی، خدمات حیاتی مانند تأمین اجتماعی را متوقف کرده است. البته چنین وضعیتی احتمالاً مطلوب ترامپ است که صرفاً از زاویه کاهش هزینه‌های دولت به حکومت‌داری می‌نگرد.

این وضعیت درحالی رخ داده است که ترامپ به طور آشکار سوءاستفاده اقتصادی از قدرت را در پیش گرفته و رزمراز خانوادگی‌اش را به نمایش می‌گذارد. او با ارائه توره‌ای VIP به افرادی که بیشترین تعداد سکه ترامپ را خریداری کنند، قیمت این رمزارز را دست‌کاری می‌کند. او درحالی فروش کلاه‌های ۵۰۰ دلاری «ترامپ ۲۰۲۸» را شروع کرده است که کارمندان در سال ۲۰۲۵ بدون حقوق هستند. این وضعیت تصویری کاملی از بی‌مسئولیتی ساختار اداری آمریکاست که برای بیست‌ویکمین بار به تعطیلی دولت این کشور انجامیده است.



سه‌شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۴



شماره ۴۵۴۸



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE